

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

«**كلمات پرسشی**» برای سؤال در مورد موجودات و ویژگی‌های آن‌ها، کلمات پرسشی زیر را به کار می‌بریم:

هَلْ (آیا)	أَ (آیا)	مَنْ (چه کسی)	مَا (چه چیزی)	كَيْفَ (چگونه)	أَيَّ (کدام)	كَمْ (چند)	مَاذَا (چه)	لِمَاذَا (برای چه)	أَيْنَ (کجا)	مِنْ أَيْنَ (از کجا)	مَتَى (کی)	إِلَى مَتَى (تا کی)
------------	----------	---------------	---------------	----------------	--------------	------------	-------------	--------------------	--------------	----------------------	------------	---------------------

«**اقسام ضمیر**» اسمی است که به جای اسم ظاهر می‌آید، مثلاً به جای «حسین» می‌گوییم «او» و به جای «مریم» و «زینب» می‌گوییم «آن‌ها». به کار بردن ضمیر جدا (منفصل) و پیوسته (متصل) و هماهنگی آن‌ها با فعل، از موارد مهم در دستور زبان است. ضمیرهای منفصل عبارت‌اند از: به شیوه‌ی زبان فارسی:

من (أَنَا)	تو (أَنْتَ، أَنْتِ)	او (هُوَ، هِيَ)
ما (نَحْنُ)	شما (أَنْتُمْ، أَنْتِنَّ)	ایشان (آن‌ها) (هُمَا، هُمْ، هُنَّ)

به شیوه‌ی زبان عربی:

مؤنث			مذكر			
هُنَّ (آن‌ها)	هُمَا (آن دو، آن‌ها)	هِيَ (او)	هُم (آن‌ها)	هُمَا (آن دو، آن‌ها)	هُوَ (او)	
نَحْنُ (ما)	أَنْتُنَّ (شما)	أَنْتِ (تو)	أَنْتُمْ (شما)	أَنْتُمْ (دو نفر، شما)	أَنْتَ (تو)	أَنْتَ (تو)

ضمیرهای متصل به شیوه‌ی زبان عربی:

مؤنث			مذكر			
هَنَّ	هُمَا	هَا	هُم	هُمَا	هَ، هِ	
كُنَّ	كُنَّ	كِ	كُم	كُما	كُ	نا

عدد و معدود

در کارهای روزمره و برای حساب و کتاب، شمارش موجودات و نشان دادن زمان و ساعت، از اعداد اصلی و ترتیبی بهره می‌بریم. البته امسال در درس دوم به صورت کامل‌تر، با اعداد و انواع آن آشنا می‌شویم.

اعداد اصلی

واحد	إِثْنَانِ	ثَلَاثَةٌ	أَرْبَعَةٌ	خَمْسَةٌ	سِتَّةٌ	سَبْعَةٌ	ثَمَانِيَةٌ	تِسْعَةٌ	عَشْرَةٌ	أَحَدَ عَشَرَ	إِثْنَا عَشَرَ	برای شمارش کلماتی که «مذكر» است
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	
واحدة	إِثْنَانِ	ثَلَاثٌ	أَرْبَعٌ	خَمْسٌ	سِتٌّ	سَبْعٌ	ثَمَانِيٌ	تِسْعٌ	عَشْرٌ	أَحَدَى عَشْرَةَ	إِثْنَتَا عَشْرَةَ	برای شمارش کلماتی که «مؤنث» است
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	

ب) اعداد ترتیبی

الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع	الثامن	التاسع	العاشر	الحادي عشر	الثاني عشر
یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم
الأولى	الثانية	الثالثة	الرابعة	الخامسة	السادسة	السابعة	الثامنة	التاسعة	العاشرة	الحادية عشرة	الثانية عشرة
یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

برای نشان دادن جایگاه کلمه‌ای که «مذکر» است

برای نشان دادن جایگاه کلمه‌ای که «مؤنث» است

روزهای هفته و فصل‌ها

دانستن این که اکنون در کدام روز هفته و در کدام فصل هستیم، اهمیت دارد. روزهای هفته: **السَّبْت** (شنبه)، **الأحد** (یکشنبه)، **الاثنين** (دوشنبه)، **الثلاثاء** (سه‌شنبه)، **الأربعاء** (چهارشنبه)، **الخميس** (پنج‌شنبه)، **الجمعة** (جمعه) فصل‌های سال: **الربيع** (بهار)، **الصيف** (تابستان)، **الخريف** (پاییز)، **الشتاء** (زمستان)

رنگ‌ها

زیبایی طبیعت و شگفتی آفرینش در دیدن رنگ‌هاست. در زبان عربی برخی از رنگ‌ها عبارت‌اند از: **أبيض** (سفید)، **أسود** (سیاه)، **أحمر** (قرمز)، **أصفر** (زرد)، **أخضر** (سبز)، **أزرق** (آبی)، **بنفسجی** (بنفش)

وزن کلمات

در زبان عربی کلمه‌ها «وزن» دارند و ترازوی سنجش و استانداردسازی آن‌ها با سه حرف «ف، ع، ل» است، یعنی حروفی که روبه‌روی این سه حرف قرار می‌گیرند، اصلی و حروفی که روبه‌روی این‌ها قرار نمی‌گیرند، فرعی و زائد هستند. به این کلمات و وزن آن‌ها توجه کنید:

کلمه	شاعر	مکتوبه	فصیح	عَلام	أمازة	نَظَر	يَكْتُبُ	إِسْتَخْرَجَ
وزن	فاعل	مفعولة	فَعِيل	فَعَال	فَعَالَة	فَعَل	يَفْعُلُ	إِسْتَفْعِلَ

نام حیوانات

نام حیوانات که برخی از آن‌ها را آموخته‌اید، مرور می‌کنیم: **أسد** (شیر)، **كَلْب** (سگ)، **بَقْرَة** (گاو)، **فَرَس** (اسب)، **ذئب** (گرگ)، **غَنَم** (گوسفند)، **حَمَامَة** (کبوتر)، **عُصْفور** (گنجشک)، **تُعَلَب** (روبا)، **غَزَالَة** (آهو)، **سَمَكَة** (ماهی)، **فُرْخ** (جوجه)، **زرافة**، **فيل**، **غُرَاب** (کلاغ)، **نَعَجَة** (میش)، **فَرَأْسَة** (پروانه)، **فَأْرَة** (موش)، **قِطْطَة** (گربه)، **قِرْدَة** (میمون)، **نَمَل** (مورچه)، **نَحْل** (زنبور)، **حِمَار** (الاغ)، **دجاجة** (مرغ)، **ديك** (خروس)، **جَمَل** (شتر)، **نَعَامَة** (شترمرغ)، **نَمِر** (پلنگ)، **بُومَة** (جغد)

ترکیب اضافی و وصفی

برای این که برای اسمی ویژگی‌ها و اطلاعات بیشتری داشته باشیم، برای آن صفت و مضاف‌الیه آورده و به اصطلاح ترکیب وصفی و ترکیب اضافی می‌سازیم. تشخیص تفاوت این دو ترکیب، هم از راه معنا امکان دارد و هم از راه حرکت و ساختار کلمه (مثلاً مضاف‌الیه معمولاً حرکت کسره می‌گیرد، ولی صفت ممکن است ضمه می‌یا فتحه می‌گیرد). در ترکیب وصفی، هر دو اسم از نظر مذکر و مؤنث و حرکت آخر کلمه یکسان هستند، در صورتی که در ترکیب اضافی، این‌گونه نیست. به این ترکیب‌ها توجه کنید:

کتابُ اللّهِ: کتاب خدا (مضاف و مضاف‌الیه)، **کتابُک**: کتاب تو (مضاف و مضاف‌الیه)، **کتابٌ جمیلٌ**: کتابی زیبا (موصوف و صفت)، **الکتابُ الرّخیصُ**: کتاب ارزان (موصوف و صفت)، **أیامُ الأسبوع**: روزهای هفته (مضاف و مضاف‌الیه)، **الدُّرُسُ الخامِسُ**: درس پنجم (موصوف و صفت)، **لُؤُنُ البَحرِ**: رنگ دریا (مضاف و مضاف‌الیه)، **حکمةٌ بالغةٌ**: حکمتی کامل (موصوف و صفت)، **السَّاعَةُ الثَّامِنَةُ**: ساعت هشتم (موصوف و صفت)

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

روش سؤال و جواب

یکی از موضوعات مهم در گفت‌وگو میان دو نفر یا دو گروه این است که شیوهی سؤال و جواب را به خوبی بدانند؛ در جدول، چند شیوهی سؤال و جواب را ذکر می‌کنیم.

پرسش	پاسخ	السؤال	الجواب
آیا؟	بله، ... / خیر، ...	هل؟	نعم، ... / لا، ...
چرا؟	به این دلیل که ...	لماذا؟	لأن ...
چه وقت؟	امروز، دیروز، ساعت یک ربع به سه، ...	متى؟	اليوم، يوم أمس، الساعة الثالثة إربعا، ...
کجا؟	در مدرسه، توی خیابان، مقابل، ...	أين؟	في المدرسة، في الشارع، أمام، ...
چگونه؟	با ماشین، پیاده، ...	كيف؟	بالسيارة، ماشياً، ...
چه کسی؟	دوستم، رضا، ...	من؟	صديقي، رضا، ...
چه چیزی؟	کتاب، آسمان، آب، ...	ما؟	الكتاب، السماء، الماء، ...
آیا رفتی؟	بله، رفتم. / نه، نرفتم.	هل ذهبت؟	نعم، ذهبت. / لا، ما ذهبت.
آیا گفتم؟	بله، گفتم. / نه، نگفتم.	هل قلت؟	نعم، قلت. / لا، ما قلت.
آیا نوشتی؟	بله، نوشتم. / نه، ننوشتم.	هل كتبت؟	نعم، كتبت. / لا، ما كتبت.

فعل وانواع آن

در تمام زبان‌ها، مهم‌ترین رکن جمله، فعل است و به جمله معنا و ارزش می‌دهد و هدف از به کارگیری کلمات دیگر را روشن می‌کند. فعل از دو نظر بررسی می‌شود؛ یکی از نظر نوع (زمان انجام آن) و دیگر از نظر صیغه (ضمایر آن):
الف) زمان و نوع فعل با توجه به پیشوندهای آن (س، سوف، لا، ما، ...) شناخته می‌شود که عبارت‌اند از:

ماضی مثبت	ماضی منفی	معادل ماضی استمراری	مضارع	مضارع منفی	مستقبل	امر	نهی
بر وزن (فَعَلَ، فَعِلَ، فَعُلَ)	ما + ماضی	كان + مضارع	مضارع	لا + مضارع	سَ / سَوْفَ + مضارع	(أ) یا (إ) + مضارع مجزوم (مضارعی که آخرش ساکن است یا نون ندارد، مگر نون جمع مؤنث)	لا + مضارع مجزوم
كُتِبَ (نوشت)	ما كُتِبَ (ننوشتم)	كانَ يَكْتُبُ (می‌نوشت)	يَكْتُبُ (می‌نویسد)	لا يَكْتُبُ (نمی‌نویسد)	سَيَكْتُبُ سوف يَكْتُبُ (خواهد نوشت)	اُكْتُبْ (بنویس)	لا تَكْتُبْ (ننویس)

ب) صیغه‌های چهارده‌گانه‌ی فعل با توجه به پسوندهای آن‌ها (ضمایر فاعلی و شناسه‌ها) شناخته می‌شود. ما می‌توانیم فعل‌ها را دو گونه صرف کنیم: یکی صرف سنتی فعل براساس دستور زبان عربی و دیگر صرف فعل براساس دستور زبان فارسی. صرف فعل ماضی و مضارع از مصدر «کتابَة: نوشتن» به روش زبان عربی این‌گونه است:

ضمیر و فعل ماضی در ۱۴ شکل و صیغه.

غائب	هُوَ كَتَبَ (۱) مفرد مذکر غایب	هُمَا كَتَبَا (۲) مثنای مذکر غایب	هُمْ كَتَبُوا (۳) جمع مذکر غایب	هِيَ كَتَبَتْ (۴) مفرد مؤنث غایب	هُمَا كَتَبَتَا (۵) مثنای مؤنث غایب	هُنَّ كَتَبْنَ (۶) جمع مؤنث غایب
مخاطب	أَنْتَ كَتَبْتَ (۷) مفرد مذکر مخاطب	أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا (۸) مثنای مذکر مخاطب	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ (۹) جمع مذکر مخاطب	أَنْتِ كَتَبْتِ (۱۰) مفرد مؤنث مخاطب	أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا (۱۱) مثنای مؤنث مخاطب	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ (۱۲) جمع مؤنث مخاطب
متکلم	أَنَا كَتَبْتُ (۱۳) متکلم وحده	نَحْنُ كَتَبْنَا (۱۴) متکلم مع الغير				

ضمیر و فعل مضارع در ۱۴ شکل و صیغه.

غائب	هُوَ يَكْتُبُ (۱) مفرد مذکر غایب	هُمَا يَكْتُبَانِ (۲) مثنای مذکر غایب	هُمْ يَكْتُبُونَ (۳) جمع مذکر غایب	هِيَ تَكْتُبُ (۴) مفرد مؤنث غایب	هُمَا تَكْتُبَانِ (۵) مثنای مؤنث غایب	هُنَّ يَكْتُبْنَ (۶) جمع مؤنث غایب
مخاطب	أَنْتَ تَكْتُبُ (۷) مفرد مذکر مخاطب	أَنْتُمَا تَكْتُبَانِ (۸) مثنای مذکر مخاطب	أَنْتُمْ تَكْتُبُونَ (۹) جمع مذکر مخاطب	أَنْتِ تَكْتُبِينَ (۱۰) مفرد مؤنث مخاطب	أَنْتُمَا تَكْتُبَانِ (۱۱) مثنای مؤنث مخاطب	أَنْتُنَّ تَكْتُبْنَ (۱۲) جمع مؤنث مخاطب
متکلم	أَنَا أَكْتُبُ (۱۳) متکلم وحده	نَحْنُ نَكْتُبُ (۱۴) متکلم مع الغير				

صرف فعل ماضی و مضارع از مصدر «کتابه: نوشتن» به روش زبان فارسی این گونه است:

فعل ماضی

کَتَبْتُ (نوشتم) (۱) اول شخص مفرد	کَتَبْتَ، كَتَبْتِ (نوشتی) (۲) دوم شخص مفرد	کَتَبَ، كَتَبَتْ (نوشت) (۳) سوم شخص مفرد
کَتَبْنَا (نوشتیم) (۴) اول شخص جمع	کَتَبْتُمْ، كَتَبْتُنَّ (نوشتید) (۵) دوم شخص جمع	کَتَبُوا، كَتَبْنَ (نوشتند) (۶) سوم شخص جمع

فعل مضارع

أَكْتُبُ (می نویسم) (۱) اول شخص مفرد	تَكْتُبُ، تَكْتُبِينَ (می نویسی) (۲) دوم شخص مفرد	يَكْتُبُ، تَكْتُبُ (می نویسد) (۳) سوم شخص مفرد
نَكْتُبُ (می نویسیم) (۴) اول شخص جمع	تَكْتُبُونَ، تَكْتُبْنَ (می نویسید) (۵) دوم شخص جمع	يَكْتُبَانِ، تَكْتُبَانِ، يَكْتُبُونَ، يَكْتُبْنَ (می نویسند) (۶) سوم شخص جمع

۱۲ شیوهی ترجمه‌ی جمله: در زمینه‌ی ترجمه‌ی جمله باید بتوانید با توجه به واژه‌هایی که تاکنون آموخته‌اید، آیات، احادیث، عبارات و متن‌های عربی را واژه به واژه ترجمه کنید و سپس به فارسی روان برگردانید و سعی کنید فعل عبارت را تشخیص دهید و در آخر آن، فعل را به فارسی ترجمه کنید. با دانستن واژه‌های مترادف (هم‌معنی) و متضاد، می‌توانید جمله‌های جدید بسازید و دایره‌ی لغات خود را افزایش دهید. علاوه بر آن، از اطلاعات عمومی و دانش تاریخ، جغرافی، فیزیک، ریاضی و ... استفاده کنید تا اگر جمله و گزاره‌ای به زبان عربی بیان شده است، بتوانید با توجه به واقعیت و عدم واقعیت آن، درستی یا نادرستی آن را تأیید کنید.

ترجمه‌ی درس



متن درس و ترجمه‌ی واژه به واژه و ترجمه‌ی روان آن

«انعام: ۱»

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾
 حمد و سپاس از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و (در آن) تاریکی‌ها و روشنایی قرار داد.

ذَاكَ	هُوَ	اللَّهُ
آن	او	خداست
«آن همان خداست»		

أَنْظُرُ: امر / تَلَكُ: «اسم اشاره» / ذات، تِلَكُ، الشَّجَرَةَ وَالنُّصْرَةَ: مؤنث

أَنْظُرُ	لِتِلَكُ	الشَّجَرَةَ	ذَاتِ	الْعُصُونَ	النُّصْرَةَ
بنگر	به آن	درخت	دارای	شاخه‌های	تازه
به آن درخت بنگر که دارای شاخه‌های تر و تازه است.					

نَمَتْ وَ صَارَتْ: ماضی / كَيْفَ: «چگونه»، كلمه‌ی استفهامی / حَبَّةٌ: مؤنث

كَيْفَ	نَمَتْ	مِنْ	حَبَّةٍ	وَ كَيْفَ	صَارَتْ	شَجَرَهُ
چگونه	رشد کرد	از	دانه‌ای	و چگونه	گردید	درخت
چگونه (در آغاز) از دانه‌ای رشد کرده و چگونه (اکنون) درخت شده است؟						

إِنْبَحَثْ وَ قُلْ: امر / يُخْرِجُ: مضارع / مَنْ: «چه کسی» كلمه‌ی استفهامی / ذَا: «اسم اشاره» / نَمْرَةٌ: مؤنث

فَانْبَحَثْ	وَقُلْ مَنْ	ذَا الَّذِي	يُخْرِجُ	مِنْهَا	التَّمْرَةَ
پس جست‌وجو کن	و بگو چه کسی است	این کسی که	بیرون می‌آورد	از آن	میوه
آن گاه جست‌وجو کن و (به خود) بگو: این کیست که از آن (درخت)، میوه بیرون می‌آورد؟					

الَّتِي، جَدْوَةٌ وَ مُسْتَعْرَهٌ: مؤنث / «شمس» با وجود این که علامت «ة-ة» ندارد، در زبان عربی مؤنث تلقی می‌شود، به همین دلیل بعد از واژه‌ی «شمس»، «الَّتِي» که مؤنث است، آمده است.

وَ أَنْظُرْ	إِلَى	الشَّمْسِ	الَّتِي	جَدْوَتِهَا	مُسْتَعْرَهٌ
و بنگر	به	خورشیدی	که	پاره‌ی آتش آن	فروزان است
(از زمین رو به آسمان کن) و بنگر به خورشیدی که شعله‌ی آتش آن فروزان است.					

فِيهَا	ضِيَاءٌ	وَ	بِهَا	حَرَارَةٌ	مُنْتَشِرَةٌ
در آن	روشنایی	و	با آن	حرارتی	پخش شده است
در آن (خورشید) روشنایی (و نور) است و به وسیله‌ی آن حرارت و گرمی پخش شده است.					

مَنْ	ذَا	الَّذِي	أَوْجَدَهَا	فِي الْجَوِّ	مِثْلَ	الشَّرْرَةَ
کیست	این	کسی که	پدید آورد آن را	در آسمان	همانند	پاره‌ی آتش

این کیست که آن را آفریده است (که) در آسمان مانند پاره‌ی آتش است.

ذَٰكَ: «اسم اشاره»

ذَٰكَ	هُوَ	اللَّهِ	الَّذِي	أَنْعَمُهُ	مُنْهَمِرَهُ
آن	او	خدایی است	که	نعمت‌هایش	ریزان است

آن همان خدایی است که نعمت‌هایش (پیوسته) ریزان است.

واژه‌های «بَالِغَةٌ» و «مُقْتَدِرَةٌ» صفت هستند.

ذو	حِكْمَةٍ	بَالِغَةٍ	وَ	قُدْرَةٍ	مُقْتَدِرَةٍ
دارای	حکمتی	کامل	و	نیروی	پرتوان

(او که) دارای دانایی کامل و نیرویی پرتوان است

أَوْجَدَ: ماضی

أَنْظُرُ	إِلَى	اللَّيْلِ	فَمَنْ	أَوْجَدَ	فِيهِ	قَمَرَهُ
بنگر	به	شب	پس چه کسی	پدید آورد	در آن	ماه را

(آن‌گاه) به شب بنگر، پس چه کسی در آن (شب تاریک) ماه را قرار داده است؟

زان: ماضی

ترکیب «الدُّرَرِ الْمُتَنَشِّرَةِ» وصفی است.

وَ	زَانَهُ	بِالنَّجْمِ	كَالدُّرَرِ	الْمُتَنَشِّرَةِ
و	آراست آن را	با ستارگانی	مانند مرواریدهای	پخش‌شده

و آن (شب) را با ستارگانی چون مرواریدهای پخش‌شده آراست

وَ أَنْظُرُ	إِلَى	الْغَيْمِ	فَمَنْ	أَنْزَلَ	مِنْهُ	مَطَرَهُ
و بنگر	به	ابر	پس چه کسی	نازل کرد	از آن	باران را

به ابر بنگر، پس چه کسی از آن باران فرو فرستاد؟

صَيَّرَ: ماضی / «أَرْضٌ»: با وجود این‌که علامت «ة - ة» ندارد، در زبان عربی مؤنث تلقی می‌شود.

فَصَيَّرَ	الْأَرْضَ	بِهِ	بَعْدَ	اغْبِرَارِ	خَصْرِهِ
پس گردانید	زمین را	به وسیله‌ی آن	پس از	تیرگی	سرسبز

در نتیجه زمین را به وسیله‌ی آن بعد از غبار و آلودگی سرسبز (باطراوت) گردانید.

سَقَى: ماضی

وَ أَنْظُرُ	إِلَى	الْمَرْءِ	وَقُلِّ	مَنْ	سَقَى	فِيهِ	بَصْرَهُ
و بنگر	به	آدمی	و بگو	چه کسی	شکافت (ایجاد کرد)	در او	چشم را

و به آدمی توجه کن و (با خود) بگو چه کسی در (چهره‌ی) او چشم آفرید؟

جَهَّزَ: ماضی

مَنْ	ذَا	الَّذِي	جَهَّزَهُ	بِقُوَّةِ	مُقْتَكِرِهِ
کیست	این	کسی که	مجهز کرده او را	به نیروی	اندیشه‌گر

این کیست که او را به نیروی اندیشه و خردورزی مجهز کرده است؟

ذَكَ	هُوَ	اللَّهِ	الَّذِي	أَنْعُمُهُ	مُنْهَمَرُهُ
آن	او	خدایی	(است) که	نعمت‌هایش	ریزان است

آن همان خدایی است که نعمت‌هایش (پیوسته) ریزان است.

نکاتی در باره‌ی قواعد در متن

توجه: حرف «ه» در آخر بیشتر مصرع‌های دوم ابیات، علامت مؤنث (ة) است که به دلیل ضرورت شعری نقطه‌های آن حذف شده است، ولی در آخر واژه‌های «قمر، مطر، بصر» علامت مؤنث بودن نیست و تنها به خاطر ضرورت شعری آمده است!

توجه: اگر اسمی مذکر باشد، ضمیر آن نیز مذکر می‌آید و اگر مؤنث باشد، ضمیر آن مؤنث می‌آید، مانند «هو» و «ه» که به اسم مذکر «الله، المرء» بازمی‌گردند (در بیت‌های ۱۳ و ۱۵) و «ها» که به اسم مؤنث «الشجرة، الشمس» (در بیت‌های ۳ و ۴) بازمی‌گردد.

جَوَارُ (التَّعَارُفُ)

زائر مَرَقِدِ امير المؤمنين علي عليه السلام	گفت‌وگو (آشنایی با یکدیگر)	أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ یکی از کارمندان در سالن فرودگاه
زائر مرقد امیر مؤمنان علی علیه السلام		
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	و عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.	
سلام بر شما.	و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.	
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.	صَبَاحَ النَّوْرِ وَ السُّرُورِ.	
صبح به خیر ای برادر.	صبح به خیر و خوشی.	
كَيْفَ حَالُكَ؟	أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟	
حالت چه‌طور؟	خوبم، شما چه‌طوری؟	
بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.	عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	
خوبم، شکر خدا.	بخشید، اهل کجایی؟	
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	
من اهل جمهوری اسلامی ایرانم.	اسم شریف شما چیه؟	
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ.	
نام من حسین و نام شریف شما چیه؟	اسم من عبدالرحمانه.	
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟	لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.	
آیا تا به حال به ایران مسافرت کرده‌ای؟	نه، متأسفانه. ولی دوست دارم که سفر کنم.	
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ!	إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.	
اگر خدا بخواد به ایران مسافرت می‌کنی!	ان شاء الله؛ به امید دیدار، به سلامت.	
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.	
خداحافظ.	به امان خدا و خداحافظ، ای دوست من.	



۱- تعارف: آشنایی با یکدیگر / ۲- قاعة: سالن / ۳- مطار: فرودگاه / ۴- مع الأسف: متأسفانه / ۵- أن أسافر: که سفر کنم

۱- این ابیات که در مورد خدانشناسی است، به نظم و شگفتی‌های آفرینش (درخت، خورشید، شب، ماه، ستارگان، ابر، باران، زیبایی و چهره‌ی انسان) اشاره می‌کند و شاعر آن «معروف رصافی» است که دارای آثار فراوانی به نظم و نثر می‌باشد؛ وی عراقی است و از پدر کُرد و مادر ترکمن زاده شده است.

البَحْثُ الْعِلْمِيُّ «پژوهش علمی»

إبْحَثْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظْمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ. در اینترنت یا کتابخانه به دنبال متنی کوتاه یا جمله‌هایی به زبان عربی پیرامون بزرگی آفریده‌های خداوند بگرد، سپس با کمک لغت‌نامه‌ای عربی - فارسی، آن را به فارسی ترجمه کن.

﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا﴾ آل عمران: ۱۹۱
«و آن‌ها در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند]: پروردگارا، این را بیهوده نیافریده‌ای»

التَّمَارِينُ

الْتَّمَرِينَ الْأَوَّلُ: كَمَلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

«الشُّعْرَاءُ: ۸۴»

۱- ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾

و برای من یاد نیکو در

«الضُّفَى: ۲»

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

«الْمُؤْمِنُونَ: ۵۱»

۳- ﴿وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾

و کار نیکو

«الاعراف: ۴۷»

۴- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾

پروردگارا،

«رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»

۵- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ.»

به بسیاری و روزه‌شان و بسیاری حج‌گزاردن بلکه به و امانتداری آن‌ها

«رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»

۶- «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.»

به کسی که در زمین است

«رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»

۷- «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.»

دانش را طلب کنید گرچه، زیرا طلب دانش

الْتَّمَرِينَ الثَّانِي: إِقْرَأْ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

«رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»

۱- «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.»

برای (دنیایت دنیا) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می‌کنی لذت می‌بری) و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می‌میری

نزدیک است بمیری) .

«أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

۲- «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالُوا وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالُوا.»

به آن‌چه گفته است (بنگر می‌نگرم) و به آن‌که گفته است (ننگر نمی‌نگرم) .

«أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

۳- «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.»

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی رسیدند گرامی شوند)؛ شایستگان هلاک شدند.

«أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

۴- «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.»

هر کس (دشمنی دوستی) کاشت، (زیان سود) درو کرد.

«أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

۵- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ.»

سخن مانند داروست؛ اندکش (سود می‌رساند شفا می‌دهد) و بسیارش کُشنده است.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

«أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

٦- إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ، فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

هرگاه بر دشمنت قادر شدى دشمنت را شكست دادى ، بخشيدن او را شكرانهى قدرت يافتن بر او (قرار مى دهى قرار بده).

«أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

٧- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ.

گفتن (مى دانم نمى دانم)، نيمى از دانش است.

الْتَّمَرِينَ الثَّلَاثِ: صَغُ فِي الدَّائِرَةِ الْعِدَدِ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ.»

- ١- الشَّرْزَةُ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
- ٢- الشَّمْسُ جَدُوْتُهَا مُسْتَعْرَةٌ، فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
- ٣- الْقَمَرُ كَوْكَبٌ يَدْوُرُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
- ٤- الْأَنْعُمُ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
- ٥- الْعَيْمُ مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ وَذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.
- ٦- الْفُسْتَانُ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.
- ٧- الدُّرُّ

الْتَّمَرِينَ الرَّابِعِ: صَغُ هَذِهِ الْجُمْلِ وَ التَّرَاكِبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءُ فَائِزَاتٌ / هَذَا الدَّلِيلَانِ / تَلِكُ بَطَارِيَّةٌ / أَوْلَيْكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءُ الْأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرَّجَاغَتَانِ

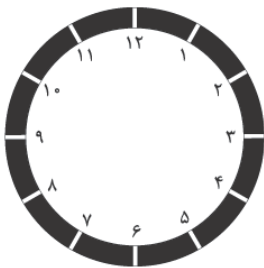
١- مفرد مؤنث	٢- مثنى مذکر	٣- مثنى مؤنث	٤- جمع مذکر سالم	٥- جمع مؤنث سالم	٦- جمع مکسر
.....

الْتَّمَرِينَ الْخَامِسِ: صَغُ الْمُتْرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (= ، ≠)

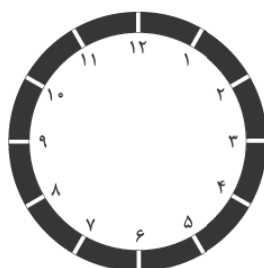
ضِيَاءٌ / نَامٌ / نَاجِحٌ / مَسْرُورٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / نِهَائِيَّةٌ / يَمِينٌ / غَالِيَّةٌ / شِرَاءٌ / مَسْمُوحٌ / مُجَدِّدٌ

١- زَخِيضَةٌ ≠	٥- بَدَايَةٌ ≠	٩- نُورٌ =
٢- بَيْعٌ ≠	٦- قَبِيحٌ ≠	١٠- حَزِينٌ ≠
٣- زَقْدٌ =	٧- يَسَارٌ ≠	١١- مُجْتَهِدٌ =
٤- رَاسِبٌ ≠	٨- نَعِيدٌ ≠	١٢- مَمْنُوعٌ ≠

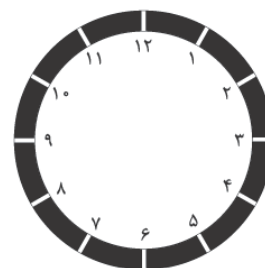
الْتَّمَرِينَ السَّادِسِ: أَرْسُمُ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



التَّاسِعَةُ إِلَّا زُبْعًا



التَّامِنَةُ وَ النُّصْفُ



الْخَامِسَةُ وَ الزُّبْعُ

پاسخ تمرین‌ها

پاسخ تمرین اول: ترجمه‌ی آیات و احادیث زیر را کامل کن.

١- وَاجْعَلْ: قرار بده / لی: برای من / لسانِ صِدْقٍ: زبان راستی و نیک (یاد نیکو) / فِي الْأَخْرَيْنِ: در میان آیندگان

(و برای من یاد نیکو در (میان) آیندگان قرار بده.)

٢- يَا: ای / أَيُّهَا الَّذِينَ: کسانی که / آمَنُوا: ایمان آوردید / لِمَ (لِ + ماذا): چرا / تَقُولُونَ: می‌گویید / مَا: آن چه را / لَا تَفْعَلُونَ: انجام نمی‌دهید

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا می‌گویید آن چه را که انجام نمی‌دهید؟)

٣- وَاعْمَلُوا: و انجام دهید / صَالِحًا: (کار) نیک / إِنِّي: زیرا من / بِمَا: به آن چه که / تَعْمَلُونَ: انجام می‌دهید / عَلِيمٌ: دانا

(و کار نیکو را انجام دهید، زیرا من به آن چه که انجام می‌دهید دانا هستم.)

۴- زَبْنَا: پروردگارا، ای پروردگار ما / لَا تَجْعَلْنَا: ما را فرار نده / مَع: همراه / الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ: قوم ستمگر
«پروردگارا، ما را با (همراه) قوم ستمگر قرار نده.»

۵- لَا تَنْظُرُوا: توجه نکنید، ننگرید / إِلَى: به / كَثْرَةَ: بسیاری / صَلَاتِهِمْ: نمازشان / صَوْمِهِمْ: روزه‌شان / وَلَكِنْ: ولی، بلکه / أَنْظُرُوا: بنگرید /
صدق الْحَدِيث: راستگویی / أَدَاءِ الْأَمَانَةِ: به‌جا آوردن امانت، امانت‌داری

«به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و بسیاری حج‌گزاردن ننگرید، بلکه به راستگویی و امانت‌داری آن‌ها بنگرید.»

۶- إِزْحَمَ: مهربانی کن / مَنْ: کسی که / فِي الْأَرْضِ: در زمین / يَزْحَمُ: مهربانی کند / فِي السَّمَاءِ: در آسمان
«به کسی که در زمین است مهربانی کن تا کسی که در آسمان است به تو مهربانی کند.»

۷- أَطْلَبُوا: طلب کنید / وَلَوْ: گرچه / بِالصَّيْنِ: در چین / فَإِنَّ: زیرا / طَلَبَ الْعِلْمَ: طلب دانش / فَرِيضَةً: واجب است
«دانش را طلب کنید گرچه در چین باشد، زیرا طلب دانش واجب است.»

پاسخ تمرین دوم: احادیث زیر را بخوان، سپس ترجمه‌ی درست آن را مشخص کن.

۱- اِعْمَلْ: کار کن / دُنْيَاكَ: دنیایت / تَعِيْشُ: زندگی می‌کنی / اٰخِرَتِكَ: آخرت / كَأَنَّ: گویی / تَمُوْتُ غَدًا: فردا می‌میری

۲- اَنْظُرْ: بنگر / مَا: آن چه / لَا تَنْظُرْ: ننگر / مَنْ: آن که

۳- مَلَكٌ: به فرمانروایی رسیدند / الْأَرَاذِلُ: فرومایگان / الْأَفَاضِلُ: شایستگان / هَلَكَ: هلاک شدند

توجه: بعد از کلمات شرط، مانند «إِذَا، إِنْ و ...» بهتر است دو فعل بعد از آن را به صورت مضارع (التزامی و اخباری) ترجمه کرد: «به فرمانروایی برسند ... هلاک می‌شوند»

۴- الْعُدْوَانُ: دشمنی / الْخُسْرَانُ: خسارت، زیان

۵- الْكَلَامُ: سخن / كَذَّ: مانند / قَلِيلُهُ: اندکش / يَنْفَعُ: سود می‌رساند / كَثِيرُهُ: بسیارش / قَاتِلٌ: کشنده

۶- إِذَا: هرگاه / قَدَزَتْ عَلَى عُدُوْكَ: بر دشمنت قادر شدی / فَاجْعَلْ: قرار بده / الْعَمُوْعُهُ: بخشیدن او را / شُكْرًا: شکرانه / لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ: قدرت یافتن بر او
۷- قَوْلٌ: گفتن / لَا أَعْلَمُ: نمی‌دانم / نِصْفُ الْعِلْمِ: نیمی از دانش.

پاسخ تمرین سوم: عدد مناسب را در دایره قرار بده. (یک کلمه اضافی است).

۱- زبانه‌ی آتش / پاره‌ای از آتش است. (قِطْعَةٌ ...)

۲- خورشید / پاره‌ی آتشی است فروزان که در آن روشنایی است و حرارت آن پخش شده است. (جَدُوْثُهَا ...)

۳- ماه / سیاره‌ای (ستاره‌ای) است که به دور زمین می‌چرخد و نورش از خورشید است. (كَوْكَبٌ ...)

۴- نعمت‌ها

۵- ابر / بخاری به هم فشرده در آسمان است که از آن باران می‌بارد. (بُخَاژٌ ...)

۶- پیراهن زنانه / از لباس‌های زنانه‌ی دارای رنگ‌های گوناگون است. (مِنْ الْمَلَابِسِ ...)

۷- مرواریدها / از سنگ‌های زیبای گران‌داری رنگ سفید است. (مِنْ الْأَحْجَارِ ...)

پاسخ تمرین چهارم: این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در مکان مناسب آن قرار بده.

۱- مفرد مؤنث ← تِلْكَ بَطَّارِيَةٌ: آن باتری است.

۲- مثنی مذکر ← هَذَانِ الدَّلِيْلَانِ: این دو راهنما

۳- مثنی مؤنث ← هَاتَانِ الرَّجَاوَتَانِ: این دو شیشه

۴- جمع مذکر سالم ← أَوْلِيَّكَ الصَّالِحُونَ: آن شایستگان

۵- جمع مؤنث سالم ← هُوَلَاءِ فَايِزَاتٍ: این‌ها برنده هستند.

۶- جمع مکسر ← هُوَلَاءِ الْأَعْدَاءِ: این دشمنان

توجه: اگر بعد از اسم اشاره، اسم «ال» دار بیاید و اسم اشاره مثنی یا جمع باشد، اسم اشاره مفرد ترجمه می‌شود، مانند شماره‌های ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶.

ولی اگر بعد از اسم اشاره «ال» نیاید، اسم اشاره اگر مفرد باشد، مفرد و اگر مثنی باشد، مثنی و اگر جمع باشد، جمع ترجمه می‌شود.

هذا كِتَابٌ (این کتاب است).

هَذَانِ كِتَابَانِ (این‌ها کتاب هستند).

هُوَلَاءِ مَعْلَمَاتٍ (این‌ها معلم هستند).

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

پاسخ تمرین پنجم: مترادفها و متضادها را در مکان مناسب آن قرار بده.

- | | | |
|----------------|----------------------|-----------|
| ۱- رَحِيصَةٌ | غَالِيَةٌ (ارزان) | غَرَانٌ |
| ۲- بَيْعٌ | شِرَاءٌ (فروش) | خَرِيدٌ |
| ۳- رَقْدٌ | نَامٌ (خوابید) | |
| ۴- رَاسِبٌ | نَاجِحٌ (مردود) | مَوْفِقٌ |
| ۵- بَدَايَةٌ | نِهَائِيَةٌ (آغاز) | پَايَانٌ |
| ۶- قَبِيحٌ | جَمِيلٌ (زشت) | زَيْبَا |
| ۷- يَسَارٌ | يَمِينٌ (چپ) | رَاسِطٌ |
| ۸- بَعِيدٌ | قَرِيبٌ (دور) | نَزْدِيكٌ |
| ۹- نُوْرٌ | ضِيَاءٌ (روشنایی) | |
| ۱۰- حَزِينٌ | مَسْرُوْرٌ (ناراحت) | شَادٌ |
| ۱۱- مُجْتَهِدٌ | مُجِدٌّ (کوشا) | |
| ۱۲- مَمْنُوْعٌ | مَسْمُوْحٌ (غیرمجاز) | مَجَازٌ |

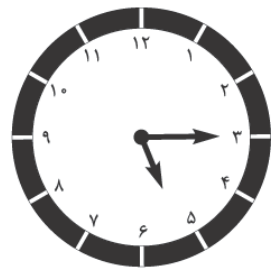
پاسخ تمرین ششم: عقربه‌های ساعت‌ها را رسم کن.



۳- یک ربع مانده به نه



۲- هشت و نیم



۱- پنج و ربع

واژه‌شناسی

توجه: برای یادگیری بهتر انواع کلمه (فعل، اسم و حرف)، این واژه‌ها را به صورت جداگانه آورده‌ایم.



فعل

- | | |
|---|--|
| أَخْرَجَ (يُخْرِجُ إِخْرَاجًا): بیرون کرد، درآورد، اخراج کرد | أَنْزَلَ (يُنْزِلُ أَنْزَالًا): نازل کرد، فروفرستاد |
| تَرْجَمَ: ترجمه کن (امر) / تَرَجَّمَ (ماضی) / يُتَرَجَّمُ (مضارع) | دَارَ (يَدْوِرُ دَوْرًا): چرخید |
| شَقَّ (يَشُقُّ شَقًّا): شکافت | صَنَّ: بگذار (امر) / وَصَّعَ (ماضی) / يَصْنَعُ (مضارع) |
| كَمَّلَ: کامل کن (امر) / كَمَّلَ (ماضی) / يُكْمَلُ (مضارع) | قَتَلَ (يَقْتُلُ قَتْلًا): کشت |
| يُخْرِجُ: درمی‌آورد، اخراج می‌کند | |

اسم

- | | |
|---|--|
| أَنْجُمٌ: ستارگان / جمع مکسر، مفرد آن: نَجْمٌ، نَجْمَةٌ | إِغْبِرَاءٌ: تیره‌رنگی، غبارآلودگی / مفرد مذکر، مصدر |
| بَالِغٌ: کامل / مفرد مذکر | أَنْعَمٌ: نعمت‌ها / جمع مکسر، مفرد آن: نِعْمَةٌ |
| جَدْوَةٌ: پاره‌ی آتش / مفرد مؤنث | تَعَاوَفٌ: آشنایی با همدیگر / مفرد مذکر، مصدر |
| دُورٌ: مرواریدها / جمع مکسر، مفرد آن: دُورٌ | خَصِيْرَةٌ: سرسبز / مفرد مؤنث |
| ذَاكَ: آن / اسم اشاره (ذاك) / ذلك | ذَا: این / اسم اشاره، مفرد مذکر (ذا) / هذا |
| ذُو: دارای | مَاذَا: این چیست؟ / من ذا: این کیست؟ |
| شَرَرَةٌ: اخگر (پاره‌ی آتش) / مفرد مؤنث | ذات: دارای ... / این اسم همواره به اسم مؤنث مضاف می‌شود. |
| ضِيَاءٌ: روشنایی / مفرد مذکر، مصدر | ذات بهجته: دارای شادی و خوشحالی |
| غَيْمٌ: ابر / مفرد مذکر | عُصُونٌ: شاخه‌ها / جمع مکسر، مفرد آن: عُصْنٌ |
| قَاعَةٌ: سالن / مفرد مؤنث | فَرَاغٌ: جای خالی / مفرد مذکر |

مُسْتَعْرَظَة: فروزان / مفرد مؤنث

مَطَار: فرودگاه / مفرد مذکر، اسم مکان

مَعَ الْأَسْفِ: با تأسف، متأسفانه / هر دو اسم هستند و ترکیب اضافی دارند.

مُفْتَكِرَة: با فکر، اندیشمند / مفرد مؤنث

مُنْهَمِرَة: ریزان / مفرد مؤنث

نَضْرَة: تر و تازه / مفرد مؤنث

حرف

أَنْ: که / حرفی است که اگر بعد از آن فعل مضارع بیاید به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. (أَنْ + يَكْتُبُ ← أَنْ يَكْتُبُ: که بنویسد)

أَنْجُمٌ	كُوكَبٍ	ضِيَاءٌ	نُورٌ	جَوْ	فِضَاءٌ	أَنْعَمٌ	نَعْمٌ	مُسْتَعْرَظَةٌ	مُحْرِقَةٌ
أَوْجَدٌ	أَخَذْتُ، خَلَقْتُ	غَيْبٌ	مَبِيزٌ	مُنْهَمِرٌ	نَازِلٌ	رَقَدٌ	نَامٌ	إِسْتَلَمَ	أَخَذَ
بَالِغٌ	تَامٌ، كَامِلٌ	غَيْبٌ	سَحَابٌ	صَبَاحُ الْخَيْرِ	صَبَاحُ النَّوْرِ	فَائِزٌ	نَاجِحٌ	صَغٌ	إِجْعَلُ
جَدْوَةٌ	شَرْرَةٌ	أَنْظَرُ	شَاهِدٌ	مُجْتَهِدٌ	مُجِدِّ، سَاعِي	بَيْتٌ	دَارٌ	زَانٌ	زَيْنٌ
جَهْرٌ	أَعْدٌ	صَارَ	أَصْبَحَ	حَقِيْبَةٌ	مِحْفَظَةٌ	حَمْدٌ	شُكْرٌ	ثَمْرٌ	فَاكِهَةٌ
مِهْنَةٌ	شُغْلٌ	سَاعَدَ	نَصَرَ						

فَرَاغٌ	مَمْلُوءٌ	دُنْيَا	أَخْرَجَ	قَلِيلٌ	كَثِيرٌ	يَفْرَحُ	يَحْزَنُ	جَمِيلٌ	قَبِيحٌ	يَسَارٌ	يَمِينٌ
يُخْرِجُ	يُدْخِلُ	تَعِيْشٌ	تَمُوْتُ	يَنْفَعُ	يَضُرُّ	قَصِيْرٌ	طَوِيْلٌ	غَالِيَةٌ	رَخِيْصَةٌ	ثَقِيْلٌ	خَفِيْفٌ
خَرَارَةٌ	بُرُوْدَةٌ	أَرَادِلٌ	أَفْضَلٌ	دَخَلَ	خَرَجَ	أَسْئَلَةٌ	أَجْوِبَةٌ	فَائِزٌ	رَاسِبٌ	خَزِيْنٌ	مَسْزُورٌ
لَيْلٌ	نَهَارٌ	قَرُبٌ	بَعْدٌ	فَرِيضَةٌ	مُمْتَنِعٌ	نَعْمٌ	لَا	صَغِيْرٌ	كَبِيْرٌ	مَمْنُوعٌ	مَسْمُوحٌ
زَرَعٌ	حَصَدٌ	نَزَلَ	صَعِدَ	عَدُوٌّ	صَدِيْقٌ	أَوَّلٌ	آخِرٌ	وَحْدَهُ	مَعَا		
صِدْقٌ	كِذْبٌ	فَقَدَ	اِكْتَسَبَ	نِصْفٌ	تَمَامٌ	أَبْيَضٌ	أَسْوَدٌ	بَيْعٌ	شِرَاءٌ		
ظَالِمٌ	عَادِلٌ	نَارٌ	مَاءٌ	عِلْمٌ	جَهْلٌ	قَبْلٌ	رَدٌ	بِدَايَةٌ	نِهَائِيَّةٌ		
كَثْرَةٌ	قَلَّةٌ	شُجَاعٌ	خَائِفٌ	بَدَأَ	أَتَمَ	صَبَاحٌ	مَسَاءٌ	بَعِيْدٌ	قَرِيْبٌ		

توجه: فایده‌ی یادگیری مترادف و متضاد واژگان این است که دایره‌ی لغات ما افزایش می‌یابد و می‌توانیم با به کارگیری مترادف و متضاد، کلمه‌های جدید دیگری نیز بسازیم.

سؤال‌های امتحانی

سؤال‌های ترجمه محور

کَمَلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

۱- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ»

..... سپاس از آن خدایی است که

۲- «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً»

..... او کسی است که

۳- «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي»

..... پروردگارا، همانا من

۴- «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ»

..... زمانی که بندگانم

۵- «عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ.»

..... بر تو لازم است که

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

اقرأ العبارات التالية ثم عيّن ترجمتها الصحيحة.

٦- الشَّجَرَةُ ذَاتُ الْعُصُونِ النَّصِيرَةِ.

الف) درختان شاخه‌های سرسبز دارند.

ب) درخت دارای میوه‌های تر و تازه است.

ج) درخت دارای شاخه‌های تر و تازه است.

٧- مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ؟

الف) چه کسی است این که آن را مجهز کرد؟

ب) چه کسی است که آن را تجهیز می‌کند؟

ج) کسی که آن را مجهز کرد، خداست.

٨- أَحَبُّ الشَّمْسِ الَّتِي جَدَّوْثُهَا مُسْتَعْرَةٌ.

الف) خورشیدی را که شراره‌ی آتش آن فروزان است دوست دارم.

ب) خورشیدی را دوست دارم که حتی در شب هم فروزان است.

ج) خورشید دوست‌داشتنی همواره با پاره‌های آتشینش همه‌جا را روشن کرد.

٩- مَنْ أُوْجِدَ فِيهِ الْقَمَرَ؟

الف) چه کسی ماه فروزان را در آن نهاد؟

ب) چه کسی ماه را در آن پدید آورد؟

ج) آیا وجود ماه در آن سبب زیبایی می‌شود؟

١٠- زَانَهُ بَأَنْجِمٍ كَالدَّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ.

الف) آن‌ها را با گیاهانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست.

ب) آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست.

ج) آن را با ستارگانی چون ماه تابان آراست.

ترجم الأفعال في العبارات و اذكر صيغتها.

١١- كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبِيَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ الشَّجَرَةَ.

١٢- أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أُوْجِدَ فِيهِ الْقَمَرَ.

١٣- أَحَبُّ أَنْ أُسَافِرَ إِلَى إِيرَانَ.

١٤- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾.

ترجم العبارات ثم عيّن فيها نوع الفعل. (الماضي، المضارع، الأمر و ...)

١٥- إِرْزَعُ صِدَاقَةً وَ لَا تَزْرَعُ عِدَاوَةً.

.....

١٦- مَا أَكَلَ الْفَطُورَ وَ مَا عَسَلَ وَ جُهِهُ وَ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ.

.....

١٧- سَوْفَ أُسَافِرُ وَ أُرِيدُ تَسْلِيمَ نَقُودِي عِنْدَكَ أَمَانَةً.

.....

ترجم هذه التراكيب.

١٩- أَنَا أَنْتَظَرْتُ:

١٨- أَنْتَ بِالْع:

٢١- الطَّفُلُ نَمَا:

٢٠- أَنْ تَكْتُبُوا:

٢٣- هُنَا مَطَارٌ:

٢٢- ذَلِكَ نَاسِبٌ:

٢٥- ذَلِكَ مِفْتَاحٌ:

٢٤- الْمَكَانَ الْفَرَاغَ:

- ۲۶- ذاك جبل:
 ۲۸- هذه خَصْرَة:
 ۳۰- اصول التّعازف:
 ۲۷- نحن نَدُوْز:
 ۲۹- هذه جَدْوَة:
 ۳۱- تلك شَرْرَة:

صَحِّح الأخطاء في التَرْجَمَة.

- ۳۲- سَوَفَ أَسْتَلِمُهَا مِنْكَ بَعْدَ رُجُوعِي. بعد از بازگشتت از تو دریافت خواهم کرد.
 ۳۳- كَتَبَ الطَّبِيبُ لِلْمَرِيضِ حُبُوباً مَهْدِنَةً لِمُعَالَجَةِ صُدَاعِهِ. پزشک برای بیمارانش قرص‌های آرام‌بخش برای درمان سردردشان تجویز کرد.
 ۳۴- يَتَعَقَّدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيراً عَلَيْنَا. برخی از دانشمندان معتقدند که رنگ چندان تأثیری بر ما ندارد.

إِنتخِبِ التَرْجَمَة الصَّحِيحَة لِمَا تَحْتَهُ حَظًّا.

- ۳۵- طَلَبَ الْمُعَلِّمُ مِنْهُمْ الحُضُورَ فِي الحَفَلَةِ. (حیات - مسابقه - جشن)
 ۳۶- هِيَ طَلَّتْ أَنَّ الحَمَامَةَ تُشَجِّعُهَا عَلَى الخُرُوجِ. (گمان کرد - تشویق کرد - فهمید)
 ۳۷- يُدْرَسُ الأَسْتَاذُ فِي الجامِعَةِ وَ يَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلَابُ. (فارغ‌التحصیل می‌شود - درس می‌خواند - تصمیم می‌گیرد)
 ۳۸- أَلْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا جِسْراً لِعُبُورِ السَّيَّاراتِ. (ساختمانی - انباری - پلی)

ضَع فِي الفُرَاغِ الكَلِمَة المُناسِبَة.

- ۳۹- أَبْطَارِيَّةٌ مَحْزَنٌ فِي السَّيَّارَةِ. (البئر - النافذة - الكهرياء)
 ۴۰- أُمُّ صَدِيقِي فِي المُسْتَشْفَى. (راقدة - مُمَرِّضٌ - حفلة)
 ۴۱- هُوَ الشَّيْءُ الَّذِي يَصْعَدُ مِنَ النَّارِ. (الحطب - الذخان - الداز)
 ۴۲- ظَلَمْتُ صَدِيقَكَ فَهُوَ عَلَيْكَ. (عطشان - غضبان - خسران)

عَبِّرِ الكَلِمَة الَّتِي لا تُناسِبُ الكَلِمَاتِ الأُخْرَى فِي المَعْنَى.

- | | | | | |
|--|------------------------------------|------------------------------------|------------------------------------|-------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> ۴۳- مَمَرٌ | <input type="checkbox"/> مَجْدٌ | <input type="checkbox"/> مَدْرَسَة | <input type="checkbox"/> مَطْعَمٌ | <input type="checkbox"/> مُخْتَبَرٌ |
| <input type="checkbox"/> ۴۴- عُصْفُورٌ | <input type="checkbox"/> ذَنْبٌ | <input type="checkbox"/> أَسَدٌ | <input type="checkbox"/> كَلْبٌ | <input type="checkbox"/> ذَنْبٌ |
| <input type="checkbox"/> ۴۵- قَمَرٌ | <input type="checkbox"/> شَمْسٌ | <input type="checkbox"/> مَطَرٌ | <input type="checkbox"/> نَجْمٌ | <input type="checkbox"/> أَرْضٌ |
| <input type="checkbox"/> ۴۶- حَافِلَةٌ | <input type="checkbox"/> طَائِرَةٌ | <input type="checkbox"/> سَفِينَةٌ | <input type="checkbox"/> غَالِيَةٌ | <input type="checkbox"/> سَيَّارَةٌ |

ضَع فِي الذَّائِرَةِ العَدَدَ المُناسِبَ. «كَلِمَتَانِ زائِدَتَانِ».

- ۴۷- الطُّلَابُ قُدْرَة عَرَضِ الأَشْيَاءِ بِالأَحْطُوطِ وَ الأَلْوَانِ.
 ۴۸- الجامِعَةُ مَكَانٌ لِحِظِّ الأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.
 ۴۹- الأَبْكَاءُ شَبَابٌ يَدْرُسُونَ فِي الجامِعَاتِ.
 ۵۰- الرُّزْمُ جَرِيانُ قَطْرَاتِ الدَّمْعِ مِنَ الحُزْنِ أَوْ الوَجَعِ.
 ۵۱- المُتَحَفُّ صِفَةٌ حَسَنَةٌ لِلحَلِيبِ وَ الفَاكِهَةِ.
 ۵۲- الأدْلِيلُ مَركَزٌ لِلتَّعْلِيمِ العَالِيِ يَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلَابُ.
 ۵۳- التَّعْوِيضُ
 ۵۴- الطَّازُجُ

ضَع المِترادِفَاتِ وَ المِتنادِفَاتِ فِي مَكَانِهَا المُناسِبِ.

- غَيْمٌ - تَعْيِشٌ - ثَمَرٌ - حَرَاةٌ - حَقِيبَةٌ - تَمَوُّثٌ - ضِيَاءٌ - فَاكِهَةٌ - سَحَابٌ - يَنْفَعُ - نَزَلَ - عَدُوٌّ - يَضُرُّ - نُورٌ - مِحْفَظَةٌ - بُرُودَةٌ - صَدِيقٌ
- ۵۵- المِترادِفَاتِ:

 ۵۶- المِتنادِفَاتِ:

اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ:

في يومٍ من الأيام جاء سبعة صيادين و حَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً ثُمَّ سَتَرُواهَا لِصَيْدِ الْخَيْواناتِ وَ بَيْعِهَا لِخَدِيقَةِ الْخَيْواناتِ. وَقَعَ نَعْلَبٌ وَ غَزَالَةٌ فِي الْحُفْرَةَ بَعْتَهُ فَطَلَبَا مُسَاعَدَةً؛ لَكِنَّ الْخَيْواناتِ هَرَبْنَ لِأَنَّهُنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدِ أَصْوَاتِ الصَّيَادينِ.

- ٥٧- مَنْ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ؟
- ٥٨- لِماذا هَرَبَتِ الْخَيْواناتُ؟
- ٥٩- كَمِ صَيَاداً جَاءَ؟
- ٦٠- ماذا سَتَرَ الصَّيَادونَ؟
- ٦١- عَيَّنْ فِي النَّصِّ أَسْمَاءً تَكُونُ لِلْجَمْعِ؟

سؤال های قاعده محور



اَكْتُبْ نَوْعَ الْفِعْلِ وَ صِيغَتَهُ. (الماضي، المضارع، الأمر و ...)

- ٦٢- يَخْرُجُونَ:
- ٦٣- كَانُوا يَنْزِلُونَ:
- ٦٤- ما أَوْجَدْتُمْ:
- ٦٥- لا تَذْهَبِينَ:
- ٦٦- لا تَسْتَرْجِعْ:
- ٦٧- سَيِّزُوعِن:
- ٦٨- قُلْ:

عَيِّنِ الْفِعْلَ الَّذِي لَا يُنَاسِبُ الْأَفْعَالَ الْأُخْرَى فِي النَّوعِ. (الماضي، المضارع، الأمر و ...)

- | | | | |
|---|---------------------------------------|--|--|
| <input type="checkbox"/> لا تُقْرَبَانِ | <input type="checkbox"/> لا أَشَاهِدُ | <input type="checkbox"/> لا تَحْفَرْنَ | <input type="checkbox"/> ٦٩- لا يُغَيِّرُونَ |
| <input type="checkbox"/> اَلْبَسُوا | <input type="checkbox"/> اَلْعَبُّ | <input type="checkbox"/> اُرْقُدْ | <input type="checkbox"/> ٧٠- اِضْعُدِي |
| <input type="checkbox"/> يَنْظُرَانِ | <input type="checkbox"/> نَفْسَمُ | <input type="checkbox"/> تَعْجَبُوا | <input type="checkbox"/> ٧١- تَهَيَّرِينَ |
| <input type="checkbox"/> لا اَبْحَثُ | <input type="checkbox"/> لا نَعْلَمُ | <input type="checkbox"/> لا يَكْتَبِنَ | <input type="checkbox"/> ٧٢- ما جَاءَ |

عَيِّنِ صَمِيرًا مَنَاسِبًا لِلْفِعْلِ.

- | | | | |
|---------------------------------|------------------------------------|------------------------------------|---|
| <input type="checkbox"/> هِيَ | <input type="checkbox"/> أَنَا | <input type="checkbox"/> أَنْتِ | <input type="checkbox"/> ٧٣- أَشْجَعُ |
| <input type="checkbox"/> هُمْ | <input type="checkbox"/> هُنَّ | <input type="checkbox"/> نَحْنُ | <input type="checkbox"/> ٧٤- سَنَاكُلُ |
| <input type="checkbox"/> هِيَ | <input type="checkbox"/> هُوَ | <input type="checkbox"/> هُمْ | <input type="checkbox"/> ٧٥- كَانَتْ تَذْهَبُ |
| <input type="checkbox"/> هُنَّ | <input type="checkbox"/> أَنْتُنَّ | <input type="checkbox"/> أَنْتُمْ | <input type="checkbox"/> ٧٦- ما فَهَيْئَتُنَّ |
| <input type="checkbox"/> هُمْ | <input type="checkbox"/> هُما | <input type="checkbox"/> هُنَّ | <input type="checkbox"/> ٧٧- يَسْتَلِمَنَّ |
| <input type="checkbox"/> نَحْنُ | <input type="checkbox"/> هُنَّ | <input type="checkbox"/> أَنْتُنَّ | <input type="checkbox"/> ٧٨- لا يَكْذِبَنَّ |
| <input type="checkbox"/> أَنْتِ | <input type="checkbox"/> أَنْتِ | <input type="checkbox"/> أَنَا | <input type="checkbox"/> ٧٩- ارْزُعِي |

صَعِّ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهَا.

إِسْمانِ - آخِرِينَ - مُرَاجَعَةَ - بَناتِ - صَبِياءِ - أَنْعَمَ - ظُلُماتِ - صالِحانِ - فَرِيقَتَيْنِ - أَنْجُمَ - حَبَّةَ - إِغْبِرارِ

- ٨٠- مفرد مذكر:
- ٨١- مفرد مؤنث:
- ٨٢- مثني مذكر:
- ٨٣- مثني مؤنث:
- ٨٤- جمع مذكر سالم:
- ٨٥- جمع مؤنث سالم:
- ٨٦- جمع مكسر:

اَكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفِهَا الْأَصْلِيَّةَ.

- ٨٧- كاتِب، مَكْتُوبَةٌ، كِتَاب، مَكاتِب:
- ٨٨- حَدِيث، أَحاديث، مُحَدَّثَةٌ، مُحَدَّث:
- ٨٩- فَتَّاح، فَاتِحَةٌ، مَفْتُوح، إِفْتِتاح:

پاسخ سؤال‌های امتحانی

ترجمه آیات و احادیث زیر را کامل کن.

- ۱- سپاس از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را (در جهان) قرار داد.
- ۲- او کسی است که همه‌ی آن‌چه در زمین است را برای شما آفرید.
- ۳- پروردگارا، همانا من به خودم ستم کردم، پس مرا ببامرز.
- ۴- زمانی که بندگانم از تو در مورد من بپرسند، پس به یقین من نزدیکم.

توجه: بعد از واژه‌هایی، مانند «إِذَا، إِنْ، مَنْ، مَا...» که کلمات شرطی هستند، فعل بهتر است مضارع ترجمه شود: إِذَا + فعل ماضی «سَأَلَ» ← زمانی که بپرسند.

۵- بر تو لازم است که یاد خدا کنی، چرا که آن (یاد خدا) روشنایی قلب است.

عبارت‌های زیر را بخوان، سپس ترجمه‌ی درست را تعیین کن.

- ۶- (ج) الشَّجَرَةَ: درخت / ذات: دارای / العُصُونَ: شاخه‌ها / النَّضْرَةَ: تر و تازه
- ۷- (الف) مَنْ: کیست / ذَا: این / جَهَّزَ: مجهز کرد
- ۸- (الف) أَحْبَبْتُ: دوست دارم / جَدَوْتُهَا: شراره‌ی آتش آن / مُسْتَعْرَظَةً: فروزان
- ۹- (ب) مَنْ: چه کسی / أُوجِدَ: ایجاد کرد / الْقَمَرِ: ماه را
- ۱۰- (ب) زَانَهُ: آن را آراست / أَنْجُمَ: ستارگانی / أَلْدُزْرَ الْمُنْتَشِرَةَ: مرواریدهای پراکنده

فعل‌ها را در عبارت‌ها ترجمه کن و صیغهی آن‌ها را بنویس.

- ۱۱- نَمَثَ: رشد کرد، سوم شخص مفرد (مفرد مؤنث غایب) / صَارَتْ: شد، گردید، سوم شخص مفرد (مفرد مؤنث غایب)
- ۱۲- أَنْظَرُ: بنگر، توجه کن، دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب) / أُوجِدَ: پدید آورد، سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب)
- ۱۳- أَحْبَبْتُ: دوست دارم، اول شخص مفرد (متکلم وحده) / أَنْ أَسَافِرَ: مسافرت کنم، اول شخص مفرد (متکلم وحده)
- ۱۴- لَا تَجْعَلُنَا: ما را قرار نده، دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب)

عبارت‌ها را ترجمه کن، سپس نوع فعل را در آن‌ها مشخص کن. (ماضی، مضارع، امر و ...)

- ۱۵- دوستی بکار و دشمنی نکار. / إِرْزُغْ: فعل امر / لا تَرْزُغْ: فعل نهی
- ۱۶- صبحانه نخورد و صورتش را نشست و از منزل خارج شد. / ما أكلَ: فعل ماضی منفی / ما عَسَلَ: فعل ماضی منفی / حَرَجَ: فعل ماضی
- ۱۷- به مسافرت خواهیم رفت و می‌خواهیم که پول‌هایم را نزد تو به امانت بگذارم. / سوف أسَافِرُ: فعل مستقبل / أُرِيدُ: فعل مضارع

این ترکیب‌ها را ترجمه کن.

- | | | | |
|---------------------------|-------------------------|--------------------|-------------------------|
| ۱۸- تو کامل هستی. | ۱۹- من منتظر ماندم. | ۲۰- که بنویسید. | ۲۱- کودک رشد کرد. |
| ۲۲- آن مناسب شد. | ۲۳- این‌جا فرودگاه است. | ۲۴- جای خالی | ۲۵- آن کلید است. |
| ۲۶- آن کوه است. | ۲۷- ما می‌چرخیم. | ۲۸- این سرسبز است. | ۲۹- این پاره‌ی آتش است. |
| ۳۰- اصول آشنایی با یکدیگر | ۳۱- آن پاره‌ی آتش است. | | |

خطاها را در ترجمه تصحیح کن.

- ۳۲- بعد از بازگشتم آن را از تو دریافت خواهم کرد.
- ۳۳- پزشک برای بیمار قرص‌های آرام‌بخشی برای درمان سردردش نوشت.
- ۳۴- برخی از دانشمندان اعتقاد دارند که رنگ‌ها تأثیری بر ما دارند.
- برای آن‌چه که زیر آن خط (آمده) است، ترجمه‌ی درست انتخاب کن.
- ۳۵- الخَفَلَةَ: جشن / معلم از آن‌ها خواست که در جشن حاضر شوند.
- ۳۶- ظَنَّنْتُ: گمان کرد / او گمان کرد که کبوتر او را به خارج‌شدن تشویق می‌کند.
- ۳۷- يَنْخَرُجُ: فارغ‌التحصیل می‌شود / استاد در دانشگاه تدریس می‌کند و دانشجویان از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند.
- ۳۸- جَسْرًا: پلی / مهندس‌ها پلی را برای عبور خودروها ساختند.

در جای خالی کلمه‌ی مناسب قرار بده.

- ۳۹- الكَهْرَبَاءُ / باتری مخزن برق در خودرو است.
 ۴۱- الدُّخَانُ / دود چیزی است که از آتش بالا می‌رود.

کلمه‌ای که در معنی با کلمات دیگر تناسب ندارد را معین کن.

۴۳- گذرگاه / کوشا ✓ / مدرسه / رستوران / آزمایشگاه

۴۴- گنجشک / گرگ / شیر / سگ / گناه ✓

۴۵- ماه / خورشید / باران ✓ / ستاره / زمین

۴۶- اتوبوس / هواپیما / کشتی / گران ✓ / خودرو

عدد مناسب را در دایره‌ها قرار بده. (دو کلمه اضافی است.)

۴۷- الطُّلَابُ / شَبَابٌ يَدْرُسُونَ فِي الْجَامِعَاتِ. (دانشجویان، جوانانی هستند که در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند.)

۴۸- الْجَامِعَةُ / مَرْكَزٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي يَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلَابُ. (دانشگاه، مرکزی است برای آموزش عالی که دانشجویان از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند.)

۴۹- الْبُكَاءُ / جَزِيَانٌ قَطْرَاتِ الدَّمْعِ مِنَ الْحُزْنِ أَوْ الْوَجَعِ. (گریه کردن، جاری شدن قطره‌های اشک از روی ناراحتی یا درد است.)

۵۰- الرَّسْمُ / قَدْرَةٌ عَرْضُ الْأَشْيَاءِ بِالْحَطْوِ وَالْأَلْوَانِ. (نقاشی کردن، قدرت عرضه کردن چیزهایی به وسیله‌ی خط‌ها و رنگ‌ها است.)

۵۱- الْمَتْخَفُ / مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. (موزه، مکانی برای نگهداری آثار تاریخی است.)

۵۲- الدَّلِيلُ: راهنما

۵۳- التَّعْوِضُ: جبران کردن

۵۴- الطَّائِفُ / صِفَةٌ حَسَنَةٌ لِلخَلِيبِ وَالْفَاكِهَةِ. (تازه ویزگی خوبی برای شیر و میوه است.)

مترادف‌ها و متضادها را در جای مناسبشان قرار بده.

۵۵- المترادفات: غَيْمٌ ☞ سَحَابٌ / ثَمَرٌ ☞ فَاكِهَةٌ / حَقِيبَةٌ ☞ مِحْفَظَةٌ / ضِيَاءٌ ☞ نَوْرٌ

۵۶- المتضادات: تَعْيِشٌ ☞ تَمَوُّثٌ / حِرَاةٌ ☞ بُرُودَةٌ / يَنْفَعُ ☞ يَضُرُّ / نَزَلَ ☞ صَعِدَ / عَدُوٌّ ☞ صَدِيقٌ

متن زیر را بخوان، سپس به سؤالات پاسخ بده.

۵۷- چه کسی درخواست کمک کرد؟ التَّلْعَبُ وَالغَزَالَةُ طَلَبًا مُسَاعِدَةً.

۵۸- چرا حیوانات فرار کردند؟ لِأَنَّهُنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ أَصْوَاتَ الصَّيَادِيْنَ.

۵۹- چند شکارچی آمدند؟ جَاءَ سِتَّةٌ صَيَادِيْنَ.

۶۰- شکارچی‌ها چه چیزی را پوشاندند؟ سَتَرُ الصَّيَادُونَ حَفْرَةً عَمِيقَةً.

۶۱- اسم‌هایی که در متن (به صورت) جمع می‌باشد، مشخص کن. اسم‌هایی که به صورت جمع آمدند: الْأَيَّامُ (جمع مکسر) / صَيَادِيْنَ (جمع مذكر سالم) / الْحَيَوَانَاتُ (جمع مؤنث سالم) / هُنَّ (ضمیر جمع مؤنث غایب) / أَصْوَاتُ (جمع مکسر «صوت») / الصَّيَادِيْنَ (جمع مذكر سالم)

نوع فعل و صیغه‌ی آن را بنویس. (ماضی، مضارع، امر و ...)

۶۲- يُخْرِجُونَ: فعل مضارع، سوم شخص جمع (جمع مذكر غایب)

۶۳- كَانُوا يَنْزِلُونَ: فعل ماضی استمراری، سوم شخص جمع (جمع مذكر غایب)

۶۴- مَا أَوْجَدْتُمْ: فعل ماضی منفی، دوم شخص جمع (جمع مذكر مخاطب)

۶۵- لَا تَذْهَبِينَ: فعل مضارع منفی، دوم شخص مفرد (مفرد مؤنث مخاطب)

۶۶- لَا تَسْتَرْجِعْ: فعل نهی، دوم شخص مفرد (مفرد مذكر مخاطب)

۶۷- سَيَبْرُؤُنَّ: فعل مستقبل، سوم شخص جمع (جمع مؤنث غایب)

۶۸- قُلْ: فعل ماضی، سوم شخص مفرد (مفرد مذكر غایب)

فعلی که از نظر نوع با افعال دیگر تناسب ندارد را تعیین کن. (ماضی، مضارع، امر و ...)

۶۹- فعل «لَا تَحْفِرْنَ» در این‌جا فعل نهی و بقیه‌ی فعل‌ها فعل نفی هستند.

۷۰- فعل «أَلْعَبُ» فعل مضارع و بقیه‌ی فعل‌ها فعل امر هستند.

۷۱- فعل «تَعَجَّبُوا» فعل ماضی و بقیه‌ی فعل‌ها فعل مضارع هستند.

۷۲- فعل «ما جاء» فعل ماضی منفی و بقیه‌ی فعل‌ها فعل مضارع منفی هستند.

ضمیر مناسب را برای فعل معین کن.

۷۶- أَتْنُ مَا فَهْمْتُنَّ

۷۵- هِيَ كَانَتْ تَذْهَبُ

۷۴- نَحْنُ سَنَأْكُلُ

۷۳- أَنَا أَشْجَعُ

۷۹- أَنْتِ إِرْزَعِي

۷۸- هُنَّ لَا يَكْذِبْنَ

۷۷- هُنَّ يَسْتَلِمْنَ

کلمات را در مکان مناسب قرار بده، سپس آن‌ها را ترجمه کن.

۸۰- مفرد مذکر: ضیاء (روشنایی)، اِغْبِرَار (تیره‌رنگی)

۸۱- مفرد مؤنث: مُرَاجَعَة (دوره)، حَبَّة (دانه)

۸۲- مثنی مذکر: اِشْمَانِ (دو اسم، اسم‌ها)، صَالِحَانِ (دو شایسته، شایستگان)

۸۳- مثنی مؤنث: فَرِيقَتَيْنِ (دو تیم، تیم‌ها)

۸۴- جمع مذکر سالم: آخِرِينَ (پایان‌ها، آیندگان)

۸۵- جمع مؤنث سالم: بَنَاتِ (دختران)، ظُلُمَاتِ (تاریکی‌ها)

۸۶- جمع مکسر: أَنْعَمَ (نعمت‌ها)، أَنْجَمَ (ستارگان)

وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.

۸۷- کَاتِب (فَاعِل)، مَكْتُوبَة (مَفْعُولَة)، كِتَاب (فِعَال)، مَكَاتِب (مَفَاعِل) ← ک ت ب

۸۸- حَدِيث (فَعِيل)، أَحَادِيث (أَفَاعِل)، مُحَدَّثَة (مُفَعَّلَة)، مُحَدَّث (مُفَعَّل) ← ح د ت

۸۹- فَتَاح (فَعَال)، فَاتِحَة (فَاعِلَة)، مَفْتُوح (مَفْعُول)، إِفْتِتاح (إِفْتِعَال) ← ف ت ح

سؤال‌های چهارگزینه‌ای

۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

«فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الشَّمْرَةَ.»

(۱) پس جست‌وجو کن و بگو این چه کسی است که از آن، میوه بیرون می‌آورد.

(۲) پس بحث کن و به خود بگو چه کسی است که از آن، میوه بیرون می‌آورد.

(۳) پس جست‌وجو کن و بگو میوه‌های درختان را چه کسی رنگین کرده است.

(۴) بر این اساس بحث کن و بنگر که چگونه میوه از درختان بیرون آمده است.

۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»

(۱) به کارهای نیکویان توجه کنید و بدانید که من نسبت به کارهایتان آگاه هستم.

(۲) و کار نیکو را انجام دهید، چرا که آگاهی من نسبت به آن‌ها زیاد است.

(۳) و کار نیکو را انجام دهید، زیرا من به آن‌ها که انجام می‌دهید دانا هستم.

(۴) و کار نیکوی خود را می‌بینند، ولی از این غافل‌اند که من نسبت به آن‌ها دانا هستم.

۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

(۱) إِزْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَزْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ: به کسی که در زمین است مهربانی کن تا کسی که در آسمان است به تو مهربانی کند.

(۲) «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»: و برای من یاد نیکو در میان مردم قرار بده.

(۳) مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ: هر کسی دشمنی بکارد کینه و حسد درو می‌کند.

(۴) أَنْظُرُ إِلَى مَا قَالُ وَلَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَالُ: به گفته‌ها بنگر و به افراد توجه نکن.

۴- عَيْنِ الْخَطَأِ لِلتَّرْجُمَةِ:

(۱) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلَ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند شایستگان هلاک می‌شوند.

(۲) أَنْظُرَنَّ إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ: به راستگویی و امانت‌داری بنگرید.

(۳) إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا: برای دنیابت چنان کار کن گویی همیشه زندگی می‌کنی.

(۴) إِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا: برای آخرت همیشه به گونه‌ای کار کن که فردا خواهی مرد.

۵- عَيْنِ الْخَطَأِ:

(۱) يُعَيِّنُ: مشخص می‌کند (۲) اِغْبِرَاؤُ الْأَرْضِ: وسعت زمین (۳) شَجَرَةٌ خَضِرَةٌ: درختی سرسبز (۴) نِعَمٌ مِنْهُمَرَةٌ: نعمت‌هایی ریزان

